



یکی از راه‌های مهم جنگ بین‌الملل اول

که برای نخستین بار فاش میشود

(۲)

وضعیت سیاسی ایران در نیمه اول سال ۱۳۳۴ هجری قمری = ۱۲۹۵ شمسی و ۱۹۱۶ میلادی

متأسفانه سخت‌ترین ایام تاریخ سیاسی ایران، نیمه اول سال ۱۲۹۵ شمسی بود که قوای روس قسمت عمده شمال و شرق و غرب ایران را بوسیله ارتش خود، اشغال کردند و در تمام شئون مملکت فرمانروای مطلق بودند. در تاریخ ۳۰ ربیع‌الثانی ۱۳۳۴ قمری، مطابق ۶ حوت (اسفند) ۱۲۹۴، مطابق ۵ مارس ۱۹۱۶، آقای محمد ولی‌خان سپهسالار اعظم، رئیس‌الوزراء شد و دولتی تشکیل داد بدین‌قرار: وزیر داخله سپهسالار اعظم - وزیر امور خارجه صارم‌الدوله - وزیر جنگ سردار کبیر - وزیر عدلیه علاء‌الملک - وزیر علوم ممتاز‌الملک - وزیر پست و تلگراف سردار منصور - وزیر مالیه حاجی‌بیمین‌الملک (مغز‌السلطان) - وزیر تجارت و فوائد عالیّه حاجی مشیر اعظم پسر میرزا علی اصغر خان اتابک.

جمعه ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ قمری = ۲۷ حوت (اسفند) ۱۲۹۴ شمسی =

۱۷ مارس ۱۹۱۶ میلادی

آقای سپهسالار بقزوین مرکز اردوی نظامیان روسی حرکت کرد و از طرف ژنرال باراتف، فرمانده قوای نظامی روس، اشغال‌گرایران، مراسم استقبال بعمل آمد و قوای نظامی روس برابر رئیس‌الوزراء رژه رفتند.

اول فروردین ۱۲۹۵ مطابق ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۴ مطابق ۲۱ مارس ۱۹۱۶. ژنرال باراتف، در سلام نوروز شرکت کرد و بحضور همایونی شرفیاب شد.

* آقای ابوالقاسم کمالزاده مدیر کل سابق اداره کل انتشارات و بلیغات کشور، منشی سابق سفارت آلمان در تهران از مردان ورزیده تاریخ و سیاست معاصر.

سه شنبه اول جمادی الثانی ۱۳۳۴ = ۴ آوریل ۱۹۱۶ = ۱۳ فروردین ۱۲۹۵ شمسی

خبر غرق کشتی سوسکس (سوسکس) انگلیسی در دریای مانش که حامل شاهزاده بهرام میرزا سردار مسعود، پسر ظل السلطان، بود بوسیله زیر دریائی آلمانی، تهران رسید. وزارت امور خارجه ایران اعتراضی شدید بسفارت آلمان فرستاد.

شنبه ۵ جمادی الثانی ۱۳۳۴ مطابق ۸ آوریل ۱۹۱۶ = ۱۷ فروردین ۱۲۹۵ شمسی
اعتراض وزارت خارجه ایران راجع بغرق شاهزاده سردار مسعود را آقای زمر، شارژدافر آلمان، بتوسط وزیر مختار آمریکابواشنگتن فرستاد که از آنجابه برلن ابلاغ شود.

یکشنبه ۶ جمادی الثانی ۱۳۳۴ = ۹ آوریل ۱۹۱۶ میلادی = ۱۸ فروردین ۱۲۹۵ شمسی

یورینوف (یورینوف) ترجمان سفارت روس، باتفاق شریعت زاده، وابسته سیاسی آن سفارت، از رئیس الوزراء دیدن کردند. مذاکرات دو ساعت ادامه داشت.

دوشنبه ۷ جمادی الثانی ۱۳۳۴ مطابق ۱۰ آوریل ۱۹۱۶ میلادی = ۱۹ فروردین ۱۲۹۵ شمسی

ابلاغیه وزارت داخله: نظر باینکه در واقعات اخیر هفت نفر از صاحب منصبان سوئدی مفصله الاسامی ذیل: ماژردمامره - ماژرچلسترم - ماژریوسه - کاپیتن ارتگران - کاپیتن انگمان - کاپیتن سن سن - کاپیتن فلیوس - باقدمات خودسرانه و ترمدا میز نسبت به دولت علیه عصیان ورزیده اند، وزارت داخله برای اطلاع قاطبه ایرانیان زحمت اظهار میدهد که اولیای دولت علیه کلیه امتیازات صاحب منصبان مزبور را سلب کرده و مشارالیهم دارای هیچگونه نشان و امتیازی از طرف دولت نمیباشند.

چهارشنبه ۹ جمادی الثانی ۱۳۳۴ = ۱۲ آوریل ۱۹۱۶ میلادی = ۲۱ فروردین ۱۲۹۵ شمسی

از شیراز تلگرافی اطلاع داده اند که علی قلی خان یاور ژاندارمری و غلامرضا خان سلطان، پسر عمویش را کشته اند و نعش آنان در میان علفها پیدا شده است. هر دو با گلوله که برشان اصابت کرده کشته شده اند و موضوع کشته شدن این دو صاحب منصب ژاندارمری تاریخ مفصلی دارد که در مقاله علیحده مشروحا برای اطلاع خوانندگان ماهنامه تحقیقی گوهر نوشته خواهد شد.

سه شنبه ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۳۴ = ۲ مه ۱۹۱۶ میلادی = ۱۰ اردیبهشت ۱۲۹۵ شمسی

دولت در مقابل فشار اولیای سفارتهای روس و انگلیس تسلیم شد و بازرسی آنان را در امور مالی پذیرفت و امروز برای دفعه اول کمیسیون مختلط (میکس = دی کس) تشکیل شد تا در وجوهی که باسم (موراتوریوم) (موراتوبریوم) (۱) بدولت ایران مساعده داده میشود نظارت کند.

کمیسیون مزبور از پنج تن و بدینقرار بود: هسنس (ه سن سن) بلژیکسی خزانه دار - آقای محسن خان امین الدوله نماینده ایران - آقای عبدالحسین خان سردار معظم خراسانی نماینده ایران - مدل (مدل) نماینده روس - هوسن (ه و س ن) نماینده انگلیس - بعد از چندی آقای امین الدوله از عضویت کمیسیون استعفا دادند از این تاریخ بحد پیوسته اخباری انتشار یافت که دولتهای روس و انگلیسی میخواهند مواد قرارداد ۱۹۰۷ یعنی تقسیم ایران بدو منطقه نفوذ را اجرا کنند.

در اغلب جرائد انگلیسی و روس، اخباری راجع به فعالیت آلمانها در افغانستان نوشته شده و متذکر شده اند که قبصر آلمان پیام کتبی مهمی برای امیر

افغانستان فرستاده است. بهمین مناسبت اولین بار خیبر رسید که ژنرال سایکس (سایکس) با عده‌ای نظامی انگلیسی و هندی بکرمان وارد شدند تا از مراودات آلمانها و عثمانیها در سرحدات افغانستان جلوگیری بعمل آورند. نفوذ انگلیسها و روسها در ایران بحدی زیاد شده بود که در اغلب موارد مأمورانشان با اهالی در کمال خشونت رفتار میکردند و بشئون ملی ما کمترین اعتنائی نداشتند.

موضوع رفتار خارج از تراکت سیاسی مسترمارلینگ (مارلینگ) با حاجی مخبر السلطنه هدایت در شب ۲۸ شعبان ۱۳۳۴ در سر میز شام رسمی که بمناسبت جشن تولد و تاج گذاری سلطان احمد شاه قاجار دعوت شده بودند بسیار دردناک و یکی از صدها رفتار خشن نمایندگان انگلیس و روس در ایران بود. سابقه امر چنین است وقتی سپهسالار رئیس الوزراء شد انگلیسها بدولت ایران فشار آوردند حاجی مخبر السلطنه هدایت که با ملیون مربوط است و نسبت به آلمانها بیطرفانه رفتار میکرد از فارس احضار شود. شاهزاده نصرت السلطنه نامزد ایالت فارس و مأمور آن سامان شد و در اصفهان بتهیه مقدمات حرکت بفارس مشغول بود که طبق دستور دولت فرمانفرما بایالت فارس منصوب و شاهزاده نصرت السلطنه مأمور ایالت کرمان گردید. حاجی مخبر السلطنه مغزولا بتهران آمد. در موقع جشنهای تولد و تاجگذاری احمد شاه، دولت از سفرای متحدین (آلمان و اطیش و عثمانی) و مؤتلفین (انگلیس و روس و فرانسه) برای صرف شام دعوت رسمی کرد و قرار شد در دو تالار مراسم پذیرائی رسمی بعمل آید. نمایندگان دول متحدین عذر خواستند و حاضر نشدند و دولت ایران تمام رجال ایرانی را برای یک شب دعوت کرد که سفرای مؤتلفین هم حضور داشتند. آقای حاجی مخبر السلطنه هم دعوت را قبول کرد و حضور بهم رسانید. وقتی مسترمارلینگ وزیر مختار انگلیس متوجه حاجی مخبر السلطنه شد فوراً از پشت میز شام برخاست و از مجلس خارج شد و اعتراض کرد که با دعوت مخبر السلطنه و او دوریک میز شام بوزیر مختار انگلیس توهین شده است زیرا همه میدانند که مخبر السلطنه بواسطه تمایلات آلمان دوستی خود و اقداماتی که در ایالت فارس برضد منافع انگلستان مرتکب شده است یکی از دشمنان دولت انگلیس شناخته میشود و حتی با فشار و اصرار سفارت انگلیس به تهران احضار گشته است.

اکبر مسعود صارم الدوله وزیر خارجه موضوع را به سپهسالار رئیس الوزراء فوراً اطلاع داد و با وساطت (آتر)، وزیر مختار روس، مارلینگ وزیر مختار انگلیس رابتالار مجلس شام برگرداندند و آقای حاجی مخبر السلطنه، پس از مذاکراتی با صارم الدوله وزیر خارجه، مجلس شام رسمی را ترك کرد و در موقع خارج شدن از مجلس اظهار داشت ترجیح میدهم مجلس را با آقای وزیر مختار بسپارم و مرخص شوم. در این سال، امثال اینگونه دخالتها در امور داخلی ایران بسیار بود ولی از همه دردناکتر نامه‌ای بود که از طرف سفارتین روس و انگلیس بدولت ایران نوشته شد دائر باینکه کلیه عایدات دولت اعم از مالیه و نظام اوقاف، باید به تصویب کمیسیون مختلط برسد و با اطلاع کمیسیون برای افزایش عده قشون ایران تحت فرماندهی صاحب منصبان روسی و انگلیسی اقداماتی صورت گیرد.

این نامه بدون شك برای اجرای قرارداد منحوس ۱۹۰۷ قدیمی مثبت بود قراردادی که ایران را بدو منطقه نفوذ روس و انگلیس تقسیم میکرد در این موقع تمام مقدمات فراهم شده بود یعنی مجلس شورای ملی تعطیل بود و قوای روس و انگلیس سرتاسر مملکت را در اشغال و دولت ایران سیاست طرفداری کامل از روس و انگلیس را وجهه همت خود داشت و ملیون در تهران در اقلیت بودند و بییچ نوع عکس العملی علیه مقاصد دولتین قدرت نداشتند و از همه مهمتر اینکه خزانه بکلی خالی و دولت محتاج بدریافت

اقساط موراتوریوم بودبناگاه دولتین باین اقدام جدی مبادرت جستند تا کاررا یکسره و مملکت ایران را عملتقسیم کنند و نظارت کامل خودرا برمالیه و نظام ایران مستقر سازند .

عجب دراین است که این نامه بدو بعنوان وزارت خارجه ایران بود و معلوم نیست چرا شاهزاده صارم الدوله وزیر خارجه از قبول آن خودداری کرد و سفراء دولتین روس و انگلیس ناچار شدند نامه را مستقیماً برای سپهسالار اعظم رئیس الوزراء بفرستند و برای دریافت جواب فقط ۴۸ ساعت مهلت بدهند.

سپهسالار ناچار بود بیادداشت روس و انگلیس در ظرف ۴۸ ساعت جواب بدهد. آن دو دولت بایران تکلیف میکردند اولاً امور مالی و نظامی ایران را زیر نظارت آن دو دولت قرار دهد ثانیاً باتشکیل قشون یازده هزار نفری در ولایات جنوب ایران بفرماندهی افسران انگلیسی موافقت کند ثالثاً در همان حال ، قوای ایرانی مقیم ولایات شمالی را نیز بهمین اندازه افزایش دهد و اداره آنها را با افسران روسی بسپارد. در یادداشت ذکر شده بود که دولتین روس و انگلیس تمهید میکنند مخارج قشون مزبور را حداقل تا پایان جنگ، بپردازند و بعلاوه وجوهی بطور مساعد در اختیار دولت ایران بگذارند که بانظر کمیسیون مختلط میکس (م ی ک س) بمصرف برسد. در یادداشت دولت ایران رامتعهد میکردند اختیارات کمیسیون مختلط را افزایش دهد تا حق نظارت و تصویب کلیه هزینه و درآمد مملکتی را داشته باشند.

معروف است که سپهسالار اعظم، پس از ۴۸ ساعت مشورت محرمانه، بدون آنکه موضوع را در جلسه رسمی هیئت وزیران طرح کند در تاریخ:

جمعه ۴ شوال ۱۳۳۴، مطابق ۴ اوت ۱۹۱۶، مطابق ۱۲ مرداد ۱۲۹۵ شمسی زیر یادداشت سفارتهای روس و انگلیس نوشت: بواسطه فورس ماژر امضاء میکنم ولی تصویب قطعی موضوع به تصویب مجلس شورای ملی موکول خواهد بود. ولی سفارتین فوراً شروع بکار کردند و در تاریخ :

دوشنبه ۷ شوال ۱۳۳۴، مطابق ۱۶ مرداد ۱۲۹۵ شمسی، مطابق ۷ اوت ۱۹۱۶ میلادی سفارت انگلیس طی نامه ای بوزارت خارجه نوشت که دولت انگلیس بموجب یادداشت چهارم شوال و اعلام موافقت دولت ایران، ژنرال سرپرسی سایکس (س ای ک س) را بریاست قوای که قرار است بفرماندهی افسران انگلیسی در جنوب ایران تشکیل شود معرفی میکند و مقتضی است بمأموران محلی ولایات جنوبی تعلیمات لازم داده شود که با وی همکاری کنند. بنابراین تاریخ مزبور روز تولد پلیس جنوب در ایران است که بانگلیسی آنها را تفنگداران جنوب ایران نامیدند.

در همان ایام کسانی که با سفارت امپراطوری آلمان رابطه داشتند گفتند که سپهسالار را اطرافیان فریب داده نسبت باو خیانت کرده اند و موضوع یادداشت دولتین روس و انگلیس را در باب التیماتوم ۱۹۱۱ توجیه کرده بودند، و سپهسالار را بر آن داشتند که با یادداشت موافقت نماید و بهمین سبب سپهسالار ضمن موافقت کلمه «فرس ماژر» را قید کرده و در نامه ای که بروزنامه رعد نوشته صریحاً مورد را بجزئیات سال ۱۹۱۱ یعنی زمان نیابت سلطنت آقای ناصر الملک مربوط دانسته است. گروهی زیاد از دست اندرکاران سیاست آن زمان سپهسالار را در موافقت با قرارداد ۱۹۰۷ بی تقصیر دانسته و صریحاً اظهار داشته اند که قید کلمه «فرس ماژر» بهترین دلیل است که نمایندگان دولتین و اعوان و انصارشان از قبیل یورینف (ی و ری ن و ف) و آقای امین الوزاره و آقای ش زاده سپهسالار را غیر مستقیم فریب داده و امضاء گرفته اند.

نامه آقای سپهسالار اعظم بروزنامه رعد بشرح زیر است: «آقای مدیر روزنامه رعد را زحمت میدهم که معاهده ۱۹۰۷ را در کابینه ریاست وزرائی آقای مصحاح السلطنه

وزارت خارجه آقای وثوق الدوله - وزارت داخله آقای محتشم السلطنه - وزارت جنگ آقای سردار محتشم - وزارت مالیه آقای قوام السلطنه - وزارت علوم آقای علاء السلطنه و وزرای دیگر و بتصدیق آقای ناصرالملک نایب السلطنه که در حاشیه آن نوشتند و تصدیق نمودند با امضای ابوالقاسم خوب است مندرجات روزنامه اجیق سوزرا تکذیب فرمائید - احتمال کلی دارد در اداره شما هم باشد خوب است تکذیب فرمائید تا همه بدانند که تفصیل از چه قرار است ۱۸ شوال ۱۳۳۴ محمدولی، این نامه بخوبی میرساند که مقصود سپهسالار قرداد، ۱۹۱۱ است که بعزل و خارج شدن شوستر (ش و س ت ر) آمریکائی از ایران منتهی شد نه قرداد منحوس ۱۹۰۷. مضافاً اینکه خدمات و جانفشانیهای سپهسالار اعظم در موقع فتح طهران یکی از بزرگترین نشانه وطن پرستی و آزادی طلبی او است که تاریخ ایران هیچگاه آنرا فراموش نخواهد کرد. نگارنده این مقاله در ایام بعد از فتح تهران در سال ۱۳۲۷ قمری شخصاً از پدرم دکتر حسین خان کحال مطلبی شنیدم که باز گفتن آن را در این مقاله بسیار بجا و بموقع میدانم آن مرحوم می گفت باتفاق جمعی همقدمان خود که همه از اشخاص میرز دوران مشروطه بودند برای تبریک و تهنیت بحضور محمدولی خان سپهسالار (سپه دار آن زمان) رفته بودیم در جواب تبریک ما سپهسالار تمام قد ایستاد و دستهای خود را به آسمان بلند کرد و با چشمان گریان بدرگاه خداوند تبارک و تعالی شکر گذارد که بوی فرصت داد انتقام خون ملك المتكلمين و صور اسرافیلها را از دژ خیمان استبداد بگیرد و در همان مجلس عکس آقایان میرسید محمد طباطبائی و سید عبدالله بهبهانی را بوسید و گفت اینها عکس کسانیست که قزاقان در روز بمباران مجلس شورای ملی موهای ریش آنان را در ملاء عام کردند و اینقدر سیلی و لطمه بصورت آنها زدند که غرق در خون شدند و دندانهایشان شکست حالا من کوچکترین خدمتگذار مشروطه ایران بر آن زخمها مرهم میگذارم. بر اثر این اظهارات سپهسالار تمام حاضران مجلس گریستند و یکایک بسرو روی سپهسالار اعظم بوسه زدند. پدرم اضافه کرد: در همان ایام کلنل لیاخوف (ل ی ا خ و ف) فرمانده بمباران مجلس شورای ملی باتفاق سرکردگان قزاق در مجلس شورایی حاضر شدند و آستانه عمارت نیمه خراب مجلس را بوسیدند و شمشیرهای خود را بسپهسالار و حاجی علی خان سردار اسعد بختیار تقدیم نمودند.

مانده دارد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

دینداری

دید وقتی یکی پراگنده
گفت کاین جامه سخت خلقتانست
زنله زیر جامه ژنده
گفت هست آن من، چنین زانست
چون نجویم حرام و ندهم دین
جامه لابد بود چنین و چنین

حکیم سنائی غزنوی قرن ششم